

زنگ خطر به حیات و آخرین نامه :

رادیو در آنها استاد عبدالرشید لطیفی که بعضاً با سم مستعار نیازمند
 رضوان، نیز به نشر میرسد، مانند نمایشنامه های تیا ترش محدودیت
 دارد و های درون اجتماع و غمخوار و شکنجه های مردم را منعکس می ساخت
 و در ماندگان و آسیب دیدگان را به ثبات و غنای معنوی و مقاومت
 انسانی و اراده مستین و مبارزه با مشکلات در سایه سعی و کوشش
 فردی شان تشویق میکرد، ولی چه افسوس که در همان فرصت ثمربخش
 زندگی که استاد لطیفی سرگرم فعالیت های شکوفان مطبوعاتی و پژوهشگر
 پدیده های اجتماعی بود و نیاز سندی خاص به صحت و توانائی و قدرت بیشتر
 جسمی داشت، زورق زندگی اش دستخوش موج نا بهنگام شد و مرض جابجگاه
 و مملکت سرطان، به شدت پرموده و زمیگیر و ناتوانش ساخت و دیگر
 نتوانست بستر اندوه بار زندگی را ترک بگوید، و سایه مرگ به سرعت بر سرش
 چیده گشت. آخرین نامه رقتبار او چند روز قبل از وفات المناکش

برایم در آلمان که در آنجا مصروف تحصیل بودم، موصلت کرد و در پرده خط محقری که
عکس آن پیش چشم شما نمودار است، چنین نوشت :

غیرم دار

بالا فو به روز پنج ماه اودنه موصی رسم
ایستاد را بنویسم - دیرد نامه ای را که می
فرستید بهر آفتاب دند، در بستر بهم دلبسته به روز
پرتو عالم خوابید، موقد هذ در در آرم است
از زیر آینه؟ رنگ بر گونه ام سر زده است
در بستر به خواب غمخیزم چه دوائی به این حال
همه واقع شد اگر نه طریقی ز صبر میسر
زیر آینه این قدر زشتی را نه (رحم
به بینم خودی خدایت، ای نقیبت ایتم مجبور
بویب سره خاطراتی که در حق تو دایم
ایجاد کما یک نند و دایم است

لعل
کمالی

و اینهم روزنشت همین آخوین خط استاد لطیفی :

عزیزم داکتر !

با آآخره بعد از پنج ماه امروز موفق می شوم این سطور را بتو بنویسم .
دیر روز نامر نامی را که بمن فرستاده بودی آوردند ، در بستر بودم و نسبت به روزهای
دیگر عالم خوب نبود . هر قدر خود داری کردم اشک از زیر شیشه های عینک بر
گونه هایم سر ازیر شد .

در بستر افتیده ام ، نمیدانم چه دوائی : این حال من مفید واقع می شود
سرفه را بعضاً رخت میدهد . زیاده از این قدرت نوشتن را ندارم ،
به بنیم خواست خدا چیست . موفقیت های همواره موجب سرت
خاطر من است در حق تو دعا میکنم .

اینجا همه ، سلام می رسانند و دعا میکنند .

لکای بهارت

لطیفی

مرحوم لطیفی در خاطرات دیگران :

طوری که هنرمندان محبوب وطن استاد عبد القیوم بیسید و محمد رفیق صادق در خاطرات خود ضمن یک پروگرام خاص تلویزیون بمناسبت سالگرد وفات استاد لطیفی باین کردند . این مفکر و نویسنده و ژورنالیست و دراما فقیه کشور حتی در بستر مریضی و تا لحظاتی که دستش کار میداد قلم را کنار نگذاشت و دور از چشم دکتران مساج که به او توصیه استراحت کامل نموده بودند ترجمه یک اثر دراماتیک را روی دست گرفت که در آخرین روزهای زندگی در تیاتر کابل به نمایش گذاشته شد . ولی پیشرفت مریضی سرطان انقدر ناتوانش ساخته بود که نتوانست یکبار هم تمشیل درام را تماشا کند . و با همین آرمات و صدای لرزوی برباد رفته دیگر در سال ۱۳۴۴ شمسی چشم از جهان پوشید و با مراسم شادزار و قدر دانی بی سابقه در قبرستان شاه شهید مربوط یکی از نواحی کابل در حالیکه جمع انبوهی از شخصیتها مطبوعاتی ، نویسندگان و هنرمندان و فرزادگان و تعداد کثیری از شهروندان تجمع کرده بودند بجا گذاشته شد

استاد عبدالرشید لطیفی در آن سال پر از صبح و صفا و برادر در آغوش
 خاک مقدس وطن آرمید ، ولی امروز کہ جنگهای بی پایان و رانگرتاب
 کن ، پا تحت محبوب مقبول فغانستان را بہ خرابہ و خاکدراں مبدل کرده
 دیگر کدام شہر و ند فرزانہ ای نیست کہ بیا دگذاشته ، آرامگاہ اورا در
 میان ویرانہ ، پیدا کنند و نیایش و پیام دلی بگذارد . ای مہربا دفن
 و آرامگاہ نخبگان و دانشمندان و فرزانشان دیگر وطن کہ مانند آرامگاہ مرحوم استاد
 لطیفی در اثر ہرودہ سال جنگ با خاک و خون آمیختہ شد و نشانی از آہنہ باقی نماند .
 و جا دردد کہ فیاد در دعوای شاعر درد مند و کہن ماہی ، در قبال دفن نا پیدا
 شان چنین لطیفین انداز گردد :

ما بارگھی دادیم این رفت ستم را بر قصر ستمگاران آیا چه خزان
 استاد صلاح الدین سلجوقی در روز مرگ و بخاک سپردن مرحوم استاد لطیفی
 بعد از ذکر سوأش کہ اورا استاد تیا تر و نمایشنا مہ نویسی خواند ، با تاثرات
 عمیقی کہ از تمامی اہل مطبوعات نمایندگی میکرد ، چنین رنہا نمود :

« یکاش دین زمان نویسنده و در امانیستی وجود میباشست که جهان زندگی
 مرحوم استاد عبدالرشید لطیفی را با تمام کواکب و عظمت و شخصیت برانزده اش از
 آغاز جوانی شکوفایش تا بستر غم انگیز مرگ او به صورت یک درام تراژدی در دنیا
 تهیه میکرد و در صحنه تمثیل می آورد . »

« پایان سخن امید داریم هنوز سنگ مراری بر بالین آرامگاه مرحوم استاد
 عبدالرشید لطیفی مانده کار باشد تا این شعر شاعر شیوا بیان ابرج میرزا برکتیه
 آن پدیدار بماند :

مض عشق جهانست ای بی	یکجان عشق تنهانست ای بی
گرچه امروز بجایم ناوی است	چشم من باز به دنبال شت
گاهی از من سخن یاد کنید	« دل خاک و لم ش کنید »

ختم

عبدالواسع لطیفی ایلت و ریجینا

امریکا

— ریندو کوبی

ا پرین کبیر زو نه صد و نود و هشت میلد

داکتر «لودویک آدمک» در کتاب معرفی شخصیت های معانی

خود را چ به استاد فقید عبدالرشید لطیفی چنین نوشته است :

LATIFI, ABDUR RASHID

)) عبد الرشید لطیفی

Born about 1912 in Kabul. Journalist, Writer, and Actor. Junior Newswriter, *Anis*. Since 1930 Editor of the *Public Health Journal*, held various positions with the Department of Press, 1934-48. Director of *Anis*, and Radio Kabul until 1956. Director of Publications. Press Attaché, Afghan Embassy, Cairo. Director of Political Affairs, Ministry of Foreign Affairs, 1956-57. The first Afghan to produce and direct a film, "Ishq-wa-Dosti" in 1946 which was produced in cooperation with Indian motion picture producers in Bombay. Supervised Pohani Nendari Theater, and helped in the training of Afghan artists and actors. Mother tongue was Dari. Died in 1969.)) (Dr. L. Adamic, who is who of Afghanistan)

ترجمه نوشته (داکتر لودویک آدمک) در کتاب (همزهو)

« who is who »

عبدالرشید لطیفی در حوالی ۱۹۱۲ در شهر کابل تولد یافته . بحیث
یک ژورنالیست جوان در روزنامه انیس به نویسندگی آغاز نمود

« ۱۹۳۰ بحیث مدیر دنا شریکد صحیفه داخل و لویه گردید و

اموریت های متعددی را در مطبوعات کشور به عهده گرفت .

از ۱۹۳۶ الی ۱۹۴۸ بحیث مدیرمسئول روزنامه انیس « و در مرتبه دیگر

بحیث رئیس موسسه نشراتی انیس « شامل کار شد .

در ۱۹۵۶ رئیس رادیو کابل و بعد بحیث مدیر عمومی نشرات مدیریت عمومی

سیاسی وزارت امور خارجه و اتماتش مطبوعاتی سفارت افغانستان

در قاهره رجوری و لویه نمود .

اوتختین پرو دیور و تهیه کننده اولین فلم دری بنام « عشق و دوستی »

میباشد که در ۱۹۴۶ در هند در کمپنی فلم سازی شهر ممبئی ساخته شد .

عبدالرشید لطیفی بحیث رئیس تیاتر پوهنی ننداری بوظیفه اداره داد

در تربیه آرتیت ها و ممثلین افغانی سعی بلیغ بنهج داد .

سان مادی او دری بود و در ۱۹۶۵ چشم از جهان پوشید .



پوکرانی مختصر پواند دکتور عبدالواسع
لطیفی

سابق رئیس پوهنځی طب و پروفیسور
مایکرو بیولوژی در پوهنتون کابل

پواند دکتور عبدالواسع لطیفی

پواند دکتور لطیفی تاریخ ۱۲ می ۱۹۲۸ میلادی در شهر کابل متولد گردیده تحصیلات
مقدمه‌ای را تا درجه بکلوریا در لیسه عالی استقلال که در آن زمان باسک قرار داد و فرهنگی
دو کشور افغانستان و فرانسه - توسط استادان و مدیران فرانسوی با همکاری استادان
افغانی تدریس و اداره می‌شد - پیش برده و بعد از کسب دیپلوم بکلوریا که همردیف
(دیپلوم بکلوریای فرانسه شناخته شده بود در هاک)
P.C.B. شامل گردید و متعاقباً در سنه ۱۹۵۱ به پوهنځی طب کابل قبول شد.
پواند لطیفی در دوره شش ساله تحصیلات نظری و عملی این پوهنځی به اساس
دانش کافی سان فرانسوی اکثر "در ساعات لکچر پروفیسوران فرانسوی
موضوعات دروس مربوط را که بفرانسوی تدریس می‌شد بهرا محصلان
به دری ترجمه و تشریح میکرد . پس از فراغت از پوهنځی طب سال

۱۹۵۷ با اسس مقررات کدر علمی وقت پوهنتون کابل بحث پوهیالی د کدر علمی د پارتمنت مایکرو بیولوژی قبول گردید . بعد وړول فعالیت های تدریسی و تحقیقی خویش در رشته های باکتریولوژی و ویرو لوزی تدریجاً از درجه پوهیالی الی درجه پوهاند با اسس تحریر آثار علمی و نشر آن در نشریات ملی و بین المللی و برپا د کنفرانس ها و تهیه کتب درسی ارتقا نمود .

در سال ۱۹۶۳ با استفاده از یک بورس تحصیلات تخصصی مملکت المان بان کشور اعزام گردید و در ظرف چهار سال تحصیل و تحقیقات علمی در انستیتوت (یونیورسیتی هایسبورگ بد ریافت دیپوم تخصصی ماستری)

در رشته میکرو بیولوژی و تحقیقات لابراتواری موفق گردید و بعد در ۱۹۶۷ دوباره بوطن عودت کرد و به تدریس محصلان پوهنچي طب کابل ، طب و پوهنچي فارسی پرداخت .

پوهاند دکتور عبدالواسع لطیفی در سال ۱۹۷۰ جهت تکمیل تحصیلات عالی رشته پرازیتولوژی با اسس پروگرام توامیت یونیورسیتی لیون فرانسه عازم فرانسه شد و دروس CES (سر تیفات تحصیلات عالی) در رشته پرازیتولوژی در فاکولته طب « گرانس بلانش » فرا گرفت

و ملاقاتاً اولین مجلس پراژ تو لوژی را تہیہ کردہ "بارہ برلن عودت نمود .

پوئند لطیفی در چندین کنفرانس بین المللی عالی اشتراک کردہ است .

پوئند لطیفی در پہلوی شاغل تدریسی ، در ماموریت های اکادمیک نیز اجراء

و حلیفہ کردہ است :

مدیریت عمومی نشرات و کتابخانہ پوهنچی طب از ۱۹۷۱ لے ۱۹۷۲

معاون علمی بورسی طب از ۱۹۷۳ لے ۱۹۷۶

مدرسہ افغان طبیبی مجد از ۱۹۷۶ لے

معاون علمی پوهنچی طب مرتبہ دوم از ۱۹۷۸ لے ۱۹۷۹

رئیس پوهنچی طب از ۱۹۷۹ لے ۱۹۸۱

در اخیر ۱۹۸۱ پس از اشغال پوهنچی طب توسط شاہدین روسی و مجزا کردن آن

پوهنچی از پوهنتون کابل و الحاق جبری آن بہ وزارت صحت عامہ از یکطرف و تسلط

سرنامہ سردطن عزیز توسط عساکر اشغالگر روسی و سیاست ترور و خشنواکی آن

از طرف دیگر ، بعد از یکہ فاسیل خود را یک سال قبل ۱۹۸۰ بہ پاکستان فرستاد

بود ، خود نیز در نوامبر ۱۹۸۱ از طریق غزنی دکتوارہ وارد پاکستان شدہ و در

نیمہ سال ۱۹۸۲ بحیث رفوژی وارد امریکا شدہ و در ایالت ویرجینیا

به نایل خود پیوست . پیمانده لطیفی از مدت هجده سال به اینطرف در ایالت مذکور
 بود و باش دارد . در زمان عضویت و اشتغال در کدر علمی پوهنمخی طب کابل داترینی
 که به داور کردن کنفرانس های علمی هفتده و ارسى فراوان میگردد ، دست به ابتکارات
 مفیده زد که عبارت بود از نایش و ترجمه مستقیم فلم های طبی در اودیتوریوم پوهنتون
 برای محصلان و استادان و دکتران علاقمندیکه از خارج پوهنتون به کنفرانس
 اشتراک میکردند .

پیمانده لطیفی به سه زبان فرانسوی ، آلمانی و انگلیسی شناسائی داشته
 و علاوه بر طبابت به شق نویسندگی و روزنامه نگاری و در امر نویسی نیز
 پرداخته است . چنانچه سه مرتبه به اخذ جائزه مطبوعاتی سزق شده است .
 در مدت بود و باش خود در امریکا نیز علاوه بر مقالاتیکه در جراید و نشرات حلقه های
 به نشر می سپارد ، دواثر ذیل را بطور کتاب در ساله به چاپ رسانیده و بدسترس
 مهاجرین افغان و علاقمندان گذشته است :

راز های زندگی از نگاه طبیب ، و زندگی نامه مرحوم استاد عبدالرشید
 لطیفی ؛ همکاری محترم داکتر شهزادی و خطاطی و تقریط رخی کرخی هروی .
 همچنان با نشرات تلویزیونی همکاری داشته است .

آثار عمده پروماند لطیفی در رشته طبابت عبارت است از :

کتاب درسی پرازیولوژی

کتاب درسی ویرو لوزی

کتاب درسی لپس پرازیولوژی

فرهنگ طب « ترجمه اصطلاحات طبی به دری »

دواثر بکر تحقیقی در میکرو بیولوژی چاپ فرانسه و آلمان

دکتر لطیفی در ایالت سنده آمریکا بعد از فرا گرفتن سان انجیسی در کالج NOVA

با گذشتن از ن سوفا نه تست مایکرو بیولوژی ایالت مرلیند بهیث :

III Lab seientist در دیپارتمنت باکتریولوژی و ویرو لوزی

وزارت صحت عامه ایالت مذکور اجرای وظیفه کرده است .

از ده سال به اینطرف در کتابخانه مرکزی یونیورسیتی جورج تاون . در

دیپارتمنت سرپال مجبات علمی بین المللی آن اجرای وظیفه میکند .

لطیفی عضو افغان اکادمی . عضو انجمن متخصصان مسلکی افغان

عضوانتقاری (APAIA) یا انجمن الهبای افغان در آمریکا بوده و وظیفه معاون

و عضویت شورای عالی انجمن صلح و دیموکراسی برای افغانستان را نیز به عهده دارد

عدوټا د کيټه برسي و تحيقيق اسناد علمي لمې دکتران افغان که کا ندي استقامت
 ELFM C ميا شند عضويت دارو . درين کيټه که بعضا اسناد علمي
 در سالي مربوطه افغانهارا از سار مراکز لمې امریکا نيز برسي ميکند پوښاند دکتر اسعد
 پوښاند دکتر خير محمد اسعد و پوښاند دکتر ولي عصيم شمبول پوښاند دکتر لطيفي عضويت دارند
 طوريکه زه آثار و مقالات تحصيلي دکتر عبدالواسع لطيفي برمي آيد او يک
 نوينده رياستيک - د واقع بين و مدافع و مشتوق مبارزان ملي و مقاومت ملي
 در برابر مداخلات رنځرنگ اجنسي بوده و در راه اعاده صلح و قطع جنگ
 و خاتمه فاجعه خونريزي در وطن عزيز افغانستان مساعي بلينغ بخرج ميدهد .
 در پايان اين نوشته زه خداوند تعالي طول عمر و صحت کامل و توفيق نزيه به جانب پوښاند
 دکتر عبدالواسع لطيفي آرزو ميکينم تا وطن مصيبت ديده ما از فضايل علمي و فرهنگي ايشان
 زياتر بهره ور گردد .
 اخي کرخي